

محیط زیست دریایی



رامین جهان پور - امروزه توجه به محیط زیست به عنوان یکی از ابعاد اصلی توسعه پایدار در حوزه های مختلف همواره به عنوان یک امر لازم به شمار می آید. کتاب حاضر ابعاد مختلف بهره برداری از دریا به صورت سازگار با محیط زیست دریایی و نهایتا کاستن از آسیب به موجودات زنده را مورد چالش و بررسی کلی قرار می دهد. اهمیت چرخه حیات موجودات دریایی و بهره وری مناسب از ذخایر دریاهای و اقیانوسها توسط انسان دارای رابطه ای تنگاتنگ با یکدیگر بوده و رابطه مستقیمی بین محیط زیست و جوامع ساحل نشین برقرار می باشد. تاثیر ارتباط بین دریا؛ محیط زیست و جوامع انسانی به حدی است که موجب تمرکز گیری جوامع انسانی در حاشیه نوار ساحلی شده و ضرورت پایداری این تمرکز باعث کاهش آسیبها به این ذخایر با ارزش؛ می گردد.

وظیفه ماست که با توجه بیشتر به سواحل کشور و ذخایر موجود آن نسبت به بهره برداری بهینه و پایدار با نظارت های مناسب توسط مراجع، سازمان ها و جوامع ساحلی در بهبود کمی و کیفی آن کوشش نماییم. تجارت پایدار کالاها و خدمات ساحلی و دریایی اقیانوسها بیش از آنچه که اکثر ما تصور می کنیم بر سیاره ی ما فرمان می رانند و ۱۹۵ کشور خودمختار جهان دارای خطوط ساحلی هستند که توده بزرگی از جمعیت جهان را در خود اسکان داده اند. سر نوشت اقتصاد جهانی به شدت به سلامت و بهره وری اکوسیستمهای دریایی و ساحلی گره خورده است چرا که دریا و ساحل سرشار از دارایی های ارزشمندی هستند که موقعیتهای اقتصادی شغلهای بی شماری را حفظ، سلامتی جوامع محلی و گردشگران آن را تامین و تغییرات کلیدی آب و هوایی را ایجاد می کنند. اقیانوسها و نوار ساحلی به طور مستقیم از طریق ماهیگیری دریایی و کشتابی و به شکل غیر مستقیم از راه حمایت از کشاورزی در خشکی عوامل اصلی تامین غذایی جهان هستند و به همین جهت عوامل دریایی برای امنیت غذایی جوامع بسیار حیاتی هستندو اکوسیستم دریایی و ساحلی؛ منابع آب و انرژی را هم فراهم می کنند و درمجموع این عوامل؛ رشد تجارت جهانی را در پی داشته و در ایجاد هماهنگی میان اقتصاد کشورهای جهان نقش آفرین هستند. همچنین با افزایش جمعیت جهان؛ نقش محیط زیست دریایی و ساحلی در زندگی انسانها مهم تر شده و تغییرات آب و هوایی و بازار تازه تولیدات دریایی و خدمات ترکیبی آن همگی شهادی براین مدعا هستند. با اتکای فزاینده جمعیت روبه رشد جهان به دریا برای دستیابی به غذا، دارو، معادن آب آشامیدنی؛ معدنی؛ انرژی و تفریحات، تهدیدهای متوجه پایداری عوامل دریایی و ساحلی شدیدتر می شود.از این رو

نبود مدیریت جامع پیرسامانه های دریایی و ساحلی موجب توسعه ناهماهنگ صیادی، گردشگری معدن و فعالیتهای دیگر اقتصادی در گرهش می گردد. متاسفانه سیاستهای دریایی در سراسر جهان اهمیت همزمان سرمایه گذاری و تجارت هم افزا را رعایت نکرده و متوجه نیستند که با رعایت این مهم چگونه می توانند به پایداری و رفح هر گونه اختلافات در مورد عوامل کمپاب دست یابند. با اینکه ماهیگیری دریایی کاملاً وابسته به تغییرات زیستنی دریایی، ساحلی و بهره وری آن است، اما هنوز بسیاری از فعالیت های ماهیگیری داخلی و بین المللی، اصول اساسی ذخیره سازی را رعایت نمی کنند که این مسئله می تواند موجب افت کیفی اکوسیستم ها و تخریب گونه ها به واسطه صید بی رویه و عدم کنترل آلاینده ها و مواد زائد شود. البته حق صیادی همیشه عادلانه نیست؛ به طوری که سهمی از منافع دریا نصیب جوامع محلی نمی شود و برخی اوقات با کارکنان این بخش برخورد های نامناسبی صورت می گیرد. ملاحظات زیستی برای تولید افزودنی های غذایی، دارویی و محصولات حوزه مراقبت فردی سابقه نامطلوبی مشابه پایداری زیست محیطی و اشتراک منصفانه منافع را تجربه کرده است. همین مشکل برای گردشگری ساحلی و دریایی هم وجود دارد. یک تغییر جهت در راستای بهره برداری پایدار و متعادل از ظرفیت های دریایی و ساحلی می تواند بهبود شرایط اجتماعی اقتصادی و زیست محیطی را موجب شود. کتاب «مدیریت تجارت و حمل و نقل سازگار با محیط زیست» ترجمه پیمان درخشان نیک که مباحث فوق را در خود گنجانده است توسط انتشارات سازمان بنادر و دریانوردی منتشر و در اختیار علاقه مندان قرار دارد.



سید گروه اقتصاد- مرتضی فاخری - اقتصاد و جنگ، دو واژه‌ای هستند که در نگاه اول شاید به دو دنیای متفاوت تعلق داشته باشند؛ یکی عدد و تحلیل و شاخص و دیگری گلرله، انفجار و خون. اما تاریخ نشان داده که این دو، در واقع رقصی مرگبار و به‌هم تنیده دارند. هر جنگ، یک اقتصاد پشت‌پرده دارد و هر اقتصاد، در برابر جنگی قریب‌الوقوع، به‌نوعی واکنش روانی دچار می‌شود. پرسش اصلی اینجاست: در مواجهه با اقتصاد جنگ، چه باید کرد و از چه باید پرهیز کرد؟

به گزارش روزنامه اقتصاد سرآمد، مرتضی فاخری، محقق و پژوهشگر در نوشتاری اختصاصی برای روزنامه اقتصاد سرآمد به بررسی پایداهای و ناپایداهای روان‌شناسی اقتصادی در زمان جنگ پرداخته است. او در این نوشتار اطمینان، اعتماد و آگاهی‌بخشی را اصول اساسی اقتصاد جنگ دانسته و به‌اهمیت موضوعاتی از جمله واکنش‌های روانی مردم و جایگاه ویژه سواد رسانه‌ای در دوران جنگ پرداخته است. این مطلب را در ادامه می‌خوانید:

اطمینان، اعتماد و آگاهی‌بخشی؛ اصول اساسی اقتصاد جنگ

وقتی اولین توپ جنگ به صدا درمی‌آید، بازارهای مالی جهان بیش از هر چیز دیگری گوش‌شان تیز می‌شود. دلار بالا و پایین می‌رود، قیمت طلا نوسان پیدا می‌کند و سرمایه‌گذاران، ناگهان با تپشی در قلب، به‌دنبال فرار از زیان هستند. این وضعیت، نه‌فقط حاصل محاسبه اقتصادی که نتیجه واکنشی روانی در سطح کلان است؛ ترس از آینده، هجوم بی‌اعتمادی و گریز از ریسک.

بسیاری از مردم گمان می‌کنند روان‌شناسی جنگ فقط در میدان نبرد معنا دارد، اما واقعیت این است که ذهن انسان، حتی اگر هزاران کیلومتر دورتر از خط‌مقدم باشد، درگیر تأثیرات روانی درگیری می‌شود. کارمندی در تهران، تاجری در استانبول یا دانش‌جویی در پاریس، وقتی خبر حمله نظامی را می‌شنود، تصمیمات مالی و رفتاری‌اش تغییر می‌کند. اینجاست که روان‌شناسی اقتصاد جنگ وارد صحنه می‌شود: علمی که بررسی می‌کند ذهن انسان در فضای ناامن و پرتنش جنگی چگونه تصمیمات اقتصادی می‌گیرد.

یکی از اصلی‌ترین واکنش‌های روانی در شرایط جنگی، نااطمینانی است. روان انسان به‌طور طبیعی، از ابهام گریزان است. وقتی آینده مبهم می‌شود، افراد ترجیح می‌دهند تصمیمات اقتصادی را به تعویق بیندازند؛ از خرید خودرو گرفته تا سرمایه‌گذاری در بازار سهام. این تعویق، در سطح کلان، به رکود اقتصادی می‌انجامد. در واقع، هر گلرله‌ای که در جبهه شلیک می‌شود، می‌تواند معادل هزاران تصمیم اقتصادی باشد که هرگز گرفته نمی‌شود.

در این شرایط، رسانه‌ها نقش کلیدی پیدا می‌کنند. لحن خبرها، پوشش رویدادها و حتی تیتروژنامه‌ها، می‌تواند به جای آرام کردن جامعه، آتش بی‌اعتمادی را شعله‌ور کند. یکی از بزرگ‌ترین پدیده‌های این است؛ اطلاع‌رسانی شفاف، دقیق و بدون بزرگ‌نمایی. بزرگ‌نمایی بحران، آسیب اقتصادی روانی را تشدید می‌کند. همچنین یکی از ناپایدهای این است؛ ناپاید مردم را در معرض اطلاعات متناقض و بی‌اعتبار قرار داد. ذهن دچار اضطراب، با اطلاعات متناقض، بیشتر دچار سردرگمی و ترس می‌شود.

اقتصاد جنگ، فقط با تانک و موشک شکل نمی‌گیرد. یکی از مولفه‌های پنهان آن، اعتماد است. دولتها، بانک‌ها و نهادهای مالی، اگر نتوانند اعتماد مردم را در شرایط بحرانی حفظ کنند، بیش از آنکه از حمله خارجی آسیب ببینند، از فرو ریختن درونی تلاشی خواهند شد. حفظ روان عمومی جامعه، از طریق ارائه تحلیل‌های واقع‌گرایانه و اجتناب از افراط و تفریط، یکی از اصول حیاتی مدیریت اقتصاد در بحران جنگی است.

نایب از نقش شبایعات نیز غافل شـد. در هر جنگی، پویایی

یک پژوهشگر در نوشتاری به «روزنامه سرآمد» بررسی کرد؛

بایدها و نبایدهای روان‌شناسی اقتصاد در زمان جنگ

چرا سواد رسانه‌ای مردم در اقتصاد جنگ اهمیت دارد؟

هیجان مرزی قاتل شد. یکی از کارکردهای مهم روان‌شناسی اقتصادی در جنگ، ارتقای سواد رسانه‌ای است. جامعه‌ای که بتواند هیجان‌های خبری را تحلیل کند، در برابر موج‌های روانی مقاوم‌تر خواهد بود. همین سواد رسانه‌ای است که می‌تواند مانع رفتارهای گله‌ای شود؛ مثل هجوم ناگهانی‌ها یا صرافی‌ها یا خرید بی‌رویه اقلام مصرفی. رفتارهای گله‌ای معمولاً از ترس ناشی می‌شوند، نه تحلیل. آنچه باعث تفاوت کشورها در مدیریت بحران می‌شود، نه فقط سیاست‌گذاری، بلکه نوع رفتار جمعی و ساختار روانی جامعه است.

همزمان روان انسان‌ها در دوران جنگ، پذیرای «افسانه‌های اقتصادی» می‌شود. شایعه‌هایی نظیر: «دلار تا دو برابر بالا میره»، «فلان بانک ورشکست شده» یا «این ماده غذایی قاره نایاب بشه» تبدیل به روایت‌هایی می‌شوند که عقل را به حاشیه می‌رانند. این افسانه‌ها، صرف‌نظر از درست یا غلط بودن، قدرت‌شان را از ضعف روانی جمعی می‌گیرند و در اینجاست که رسانه‌ها، نهادهای آموزشی و حتی افراد تأثیرگذار در شبکه‌های اجتماعی می‌توانند نقش قهرمانانه‌ای ایفا کنند؛ با مقابله با شایعه، ایجاد اطمینان و تقویت رفتار آگاهانه.

نقش روان جمعی و تجربه زیسته ملل جنگ‌دیده

تجربه ملت‌هایی که در طول تاریخ با جنگ مواجه شده‌اند، یک نکته را به‌وضوح نشان می‌دهد: آنچه ملت‌ها را حفظ می‌کند، فقط قدرت تسلیحاتی یا منابع مالی نیست، بلکه «سرمایه روانی» آن‌هاست. ملت‌هایی که خاطرات جنگ، فقر و قحطی را در ذهن دارند، در مواجهه با جنگ‌های جدید، سریع‌تر واکنش نشان می‌دهند. این «حافظه تاریخی اقتصادی» می‌تواند هم یک ابزار بقا باشد، هم یک عامل بحران.

در جوامعی که جنگ‌های طولانی را از سر گذرانده‌اند، نوعی آستانه تحمل روانی شکل گرفته است. مردم به جای ترس از جنگ، نوعی آمادگی ذهنی دارند که به آن‌ها اجازه می‌دهد تصمیم‌های اقتصادی را با فاصله بیشتری از احساسات بگیرند. در مقابل، جوامعی که سال‌ها در صلح و ثبات زندگی کرده‌اند، ممکن است با کوچک‌ترین خبر جنگی، دچار اختلال روانی و اقتصادی شوند. این تفاوت نگرش، تأثیر مستقیمی بر بازارها، رفتار مصرفی و نحوه تعامل مردم با اخبار جنگی دارد. نقش نهاد های مذهبی، فرهنگی و اجتماعی نیز بسیار پررنگ می‌شود. آن‌ها می‌توانند با روایت‌هایی از ایثار، صبر، تاب‌آوری و امید، جامعه را در برابر فروپاشی روانی مقاوم کنند. همانطور که در بحران‌های گذشته دیدیم، شعر، موسیقی، هنر و حتی طنز، ابزارهایی برای مقابله با ترس اقتصادی هستند. یک لبخند در روز کار جنگ، بیش از هر بسته حمایتی، می‌تواند مؤثر باشد؛ چرا که به مغز، نشانه‌ای از ادامه زندگی و امکان دوباره ساختن می‌دهد.

در سطوح کلان، سیاست‌گذاران اقتصادی باید از دام «رفتارهای واکنشی» پرهیزند. تصمیمات عجولانه‌ای نظیر مسدود کردن بازار ارز، ممنوعیت واردات یا ایجاد فضای بسته رسانه‌ای، نه تنها ترس را فرو نمی‌نشانند، بلکه آن را چندبرابر می‌کنند. پایداری در این بخش ششامل ارتباط شفاف با مردم، تحلیل‌های منظم از شرایط و فراهم کردن امید برای بعد از جنگ است. مردم وقتی می‌دانند که برنامه‌ای برای «افراد» وجود دارد، کمتر از «امروز» می‌ترسند.

«اقتصاد امید» در دوران جنگ

در دل تاریکی جنگ، اگر نوری باشد که بتواند ذهن‌ها را آرام و دل‌ها را گرم نگه دارد، آن نور چیزی نیست جز «اقتصاد امید». حتی در شرایطی که انفجارها می‌لرزاند و اخبار تلخ هر روز از راه می‌رسند، هنوز امکان «برنامه‌ریزی برای آینده» وجود دارد و همین چشم‌انداز آینده‌محور است که می‌تواند فشار روانی جنگ را تعدیل کند. مردم وقتی باور کنند که بحران گذر است، که قرار نیست این وضعیت تا ابد ادامه داشته باشد، تصمیمات اقتصادی‌شان نیز معقول‌تر می‌شود.

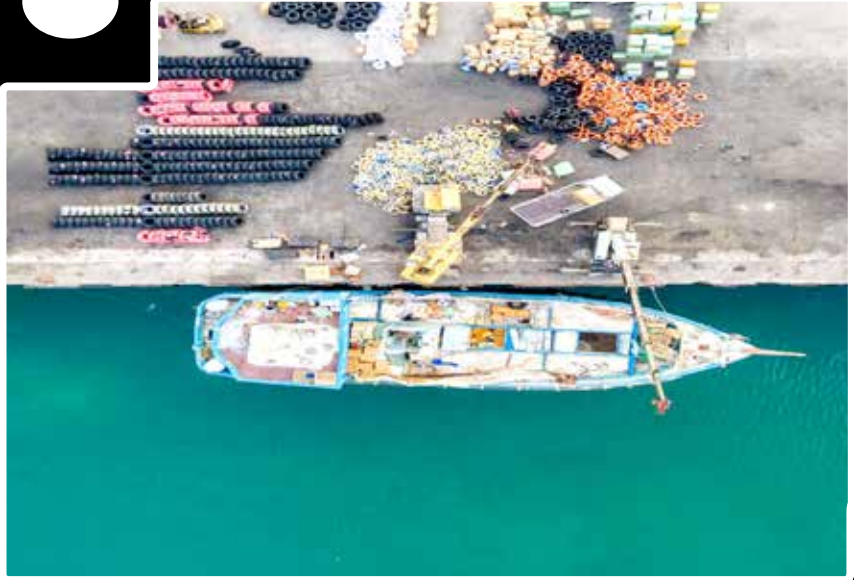
اینجاست که دولت‌ها و سیاست‌گذاران باید- «روایت آینده‌ساز» بسازند؛ نه وعده‌های پوچ، بلکه برنامه‌هایی قابل لمس. مثلاً اعلام پروژه‌های بازسازی پس از جنگ، حمایت از کسب‌وکارهای کوچک یا حتی طرح‌هایی برای اشتغال جوانان

اهمیت سواد رسانه‌ای مردم در اقتصاد جنگ

اقتصاد جنگ، نه تنها متأثر از واکنش‌های روانی داخلی است، بلکه از سیگنال‌هایی که بازیگران بین‌المللی ارسال می‌کنند نیز تأثیر می‌پذیرد. در فضای جنگی، هر خبر کوچک می‌تواند بزرگ‌ترین بازارها را بلرزاند. گزارشی از اعزام ناو جنگی، لغو یک قرارداد صادراتی یا حتی توتینتی از سوی یک سیاستمدار می‌تواند ذهن‌ها را دچار تلاطم کند. در چنین شرایطی، جامعه نیازمند فیلترهای روانی است؛ یعنی آموختن اینکه همه اخبار، ارزش یکسانی برای واکنش ندارند و باید بین واقعیت و

بدون شرح

قاب دوربین



عکس: امیربشار تری